

سُورَةُ النَّازِعَاتِ ٧٩

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران
وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا
﴿١﴾

هست قسم بر آن ملائک، عرشیان قبضِ روحی سخت کنند از کافران
وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا
﴿٢﴾

همچنین خیل ملک کز انبساط خوش بگیرند جانِ مؤمن با نشاط
وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا
﴿٣﴾

همچنین بر آن ملائک که مطیع امرِ حق جاری نمایند بس سریع
فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا
﴿٤﴾

هم بگیرند سبقت از هم جملگی در خصوص امرِ یزدان بندگی
فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا

﴿٥﴾

باز قسم بر آن ملائک زین نسق با تدبّر جاری سازند امرِ حق
يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ

﴿٦﴾

روزی آن بانگ لرزه آرد بر فلک بر جمیع خلق و بر خیلِ ملک
تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ

﴿٧﴾

بار دوم نفخه‌ای آید زِ صور بعد از آنکه مردمان آیند زِ گور
قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ

﴿٨﴾

روزی که گردند هراسان نیز همه قلبِ ایشان می‌شود پُروا همه
أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ

﴿٩﴾

چشمِ ایشان می‌شود وحشت زده در خشوع آیند به صف اندر رده
يَقُولُونَ إِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ

﴿١٠﴾

منکران گویند به صد افسردگی بعدِ مرگ ما باز یابیم زندگی؟
إِذَا كُنَّا عِظَامًا نَّخِرَةً

بعد از آنکه هم بیوسید استخوان پس چطور یابیم باز جسمی و جان؟
 قَالُوا تِلْكَ إِذَا كَرَّهَ خَاسِرَةٌ

هم بگویند تا که باز یابیم حیات سخت زیانکار می‌شویم از هر جهات
 فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ

صیحه‌ای آید ز یک وادی غریب یک صدای واحد و بس پرمهیب
 فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ

اندر آن دم سر بر آورده همه سوی محشر رهسپار با واهمه
 هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ

بر تو آمد هیچ خبر از آن کلیم؟ موسیٰ عمران، همان مردِ حلیم
 إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى

اندر آن وادیِ قدس، ذاتِ خدا داد بر موسیٰ ز لطفش او ندا
 إِذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ

تو برو بر سوی فرعون و تبار که فزون کرده جسارت بی‌شمار
فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ

پس بده هشدار به فرعونِ شقی هیچ خواهی که بگردی متقی؟
وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ

تا هدایت بَخْشَمَتِ سوی خُذَات که شوی خاشع تو پیشش در حیات
فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ

پس برفت او و نشان داد معجزات جملگی آیاتِ حق از هر جهات
فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ

لیک تکذیب کرده و عصیان نمود گشت فرعون دشمنِ ما و عنود
ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَىٰ

در مقابل با چنان آیاتِ ناب پشت بنمود او به غیظ و با شتاب
فَحْشَرَ فَنَادَىٰ

﴿۲۳﴾

انجمن بنمود با درباریان تا بیابند چاره‌ای فرعونیان
فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ

﴿۲۴﴾

گفت فرعون که منم خود، ربّتان رتبتم اعلا بود از بهرتان
فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ

﴿۲۵﴾

در قبال این غرور و این گناه در دو دنیا داد جزای او اله
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَن يَخْشَىٰ

﴿۲۶﴾

این بود عبرت برای بندگان که بترسند از خداوند جهان
أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خُلُقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا

﴿۲۷﴾

خَلَقْتَانِ هَسْتَ سَخْتِتر ای یا بنای سَقَفِ گیتی، آسمان؟
مردمان؟!
رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا

﴿۲۸﴾

گنبدی دوّار هست و بی‌ستون استوار و قائم است و نیلگون

وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا

﴿٢٩﴾

تیره و تاریک بنمود وقت شام روشنی بر روز داد از نورِ تام
وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا

﴿٣٠﴾

بعد از آن گسترد گیتی را زمین تا که سکنایی بگیرند اجمعین
أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا

﴿٣١﴾

خارج آورد از زمین آبِ زلال هم چراگاهها پدید کرد بالمآل
وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا

﴿٣٢﴾

ریشه‌دار بنمود کوه‌ها در زمین پای برجایند و ثابت همچنین
مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ

﴿٣٣﴾

کَلِّمُ باشند متاعی بهرتان همچنین سودمند بر احشامتان
فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَىٰ

﴿٣٤﴾

تا به وقتش واقعه گردد پدید روز محشر می‌رسد در سررسید
يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَىٰ

﴿۳۵﴾

اندر آن روز آدمیزاد نزدِ حق یاد آرد کار خود در ماسبق
وَبُرَزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَىٰ

﴿۳۶﴾

هم عیان آرد خدای کردگار آن جهنّم را به رؤیت آشکار
فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ

﴿۳۷﴾

وای! بر احوالِ طاغی روزِ داد سرکشی چون که نموده بدنهاد
وَأَثَرَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

﴿۳۸﴾

داده ترجیح دارِ فانی بر بقا در پیِ اعمالِ باطل، هم فنا
فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ

﴿۳۹﴾

هست فرجامش جهنّم را سرا از گناهانی که کرده وز خطا
وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَىٰ النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ

﴿۴۰﴾

لیک آن که خائف است از ذاتِ هو بر هوای نفس، غالب گشته او
فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ

﴿۴۱﴾

باشد آن باغِ بهشت او را سرا متّقین را این‌چنین باشد سزا
يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا

﴿۴۲﴾

ای رسولا! از تو پرسند باز نیز وقت و ساعت از قیام رستخیز
فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا

﴿۴۳﴾

تو چه داری بر جوابِ قومِ دون؟ تا بگویی از قیامت گونه‌گون
إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا

﴿۴۴﴾

منتهی گردد هم آن ساعت یقین بر خدای تو، خدای عالمین
إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ مِّنْ يَّخْشَاهَا

﴿۴۵﴾

هست وظیفه بر تو، تنها این‌چنان که هدایت، خود دهی بر خائفان
كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا

﴿۴۶﴾

اندر آنجا خود ببیند هر کسی که به دنیا بوده روزی یا شبی